

مقاله‌ی پژوهشی

رابطه‌ی نام با عزت نفس در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

خلاصه

مقدمه: عزت نفس جزء عاطفی و ارزشیابانه‌ی خودپنداره تلقی می‌گردد و بخشی از خویشتن هر فرد که تاثیر زیادی بر خودپنداره یا هویت وی دارد، نام او است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی نام کوچک و عزت نفس عمومی با توجه به جنسیت دانشجویان است.

روش کار: مطالعه به روش پیمایشی بر روی نمونه‌ی ۴۰۰ نفری از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ صورت گرفته که به روش طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند. ابزار آن پرسش‌نامه‌ی عزت نفس کوپراسمیت ۵۸ گویه‌ای بوده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل واریانس یک‌سویه، دوطرفه‌ی بین آزمودنی، آزمون تی برای گروه‌های مستقل، آزمون لون برای همگنی واریانس‌ها و آزمون تعقیبی توکی صورت گرفته است.

یافته‌ها: نمره‌ی عزت نفس عمومی دانشجویان $31/91 \pm 6/91$ بوده و تفاوتی از نظر جنسیت وجود نداشته است ($P=0/747$) اما بین نوع نام دانشجویان با عزت نفس کلی رابطه وجود داشت ($P=0/013$) و عزت نفس دارندگان نام‌های اسلامی بیشتر از واجدین نام‌های ایرانی یا فرنگی بود.

نتیجه‌گیری: عزت نفس دانشجویان با نوع نام فارغ از جنسیت آنان رابطه دارد و با توجه به فرهنگ ما در دارندگان نام‌های اسلامی بیشتر از ایرانی یا فرنگی است.

واژه‌های کلیدی: دانشجویان، عزت نفس، نام

منیره کرباسی

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد

اسلامی، واحد همدان

*مؤلف مسئول:

ایران، همدان، سی‌متری سعیدیه، کوی

متخصصین، خیابان عدلیب، شماره ۸۹

drmkarbasi@yahoo.com

تلفن: ۰۸۱۱۴۴۹۴۰۰۰

تاریخ وصول: ۹۱/۷/۶

تاریخ تایید: ۹۲/۲/۲۲

پی‌نوشت:

این مطالعه با تایید و حمایت مالی شورای پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان انجام شده و با منافع نویسنده ارتباطی نداشته است. از شورای محترم پژوهشی دانشگاه و تمام دانشجویان شرکت‌کننده، سپاسگزاری می‌گردد.

Original Article

The relationship between first name and self-esteem in students of Islamic Azad University, Branch of Hamadan

Abstract

Introduction: Self-esteem is considered the evaluative component of the self-concept and the first name is a part of individual self with tremendous effect on his identity. The major purpose of this study was to investigate the relationship between first name and global self-esteem with respect of sex differences in university students.

Materials and Methods: The survey method was used. The sample size of the study consisted 400 Azad university students of Hamadan Branch who were selected through stratified random sampling according to their gender, academic level and field of study in academic year 2011-2012. The instrument was Coopersmith questionnaire with 58 close-ended responses. The findings were analyzed through ANOVA, one way and two way between groups analysis, t-test for independent groups, Levens' Test of homogeneity of variance and Tukeys' Post Hoc.

Results: The results revealed that global self-esteem average score of university students was 31.91 ± 6.91 with no sex differences ($P=0.747$); but the kind of first name was highly related to global self-esteem ($P=0.013$) regardless of students gender, and the self-esteem of students with Islamic names was the highest and Iranian and western names were in order.

Conclusion: Self-esteem of university students was correlated with their first names regardless of their gender and with respect of our culture students with Islamic names had best self-esteem scores and western had worse.

Keywords: Name, Self-esteem, Students

Manijeh Karbasi

Assistant professor of psychology,
Islamic Azad University, Branch
of Hamadan

***Corresponding Author:**

Number 89, Andalib St.,
Motekhassesin Alley, Thirty
meters Saeediyeh, Hamadan, Iran
drmkarbasi@yahoo.com
Tel: +988114494000
Received: Sep. 27, 2012
Accepted: May. 12, 2013

Acknowledgement:

This study was approved and financially supported by the research committee of Islamic Azad University, branch of Hamadan. The author had no conflict of interest with the result.

Vancouver referencing:

Karbasi M. *The relationship between first name and self-esteem in students of Islamic Azad University, Branch of Hamadan. Journal of Fundamentals of Mental Health* 2014; 15(4): 274-83.

مقدمه

عزت نفس^۱، مفهومی است که کاربرد بسیار گسترده‌ای در نزد عموم مردم و روان‌شناسان دارد و به احساس ارزش یا احترام، تایید و تقدیر و یا ارجمندی و دوست داشتن خود گفته می‌شود (۱). روزنبرگ^۲، وجود نگرش مطلوب نسبت به خویش را عزت نفس نامیده (۲) و برخی نیز از آن به عنوان جزء عاطفی یا ارزشیابانه‌ی خودپنداره یاد کرده‌اند (۳). خودپنداره، یک سازه‌ی چند بعدی است که به ادراک فرد از خویش در ارتباط با هر نوع از ویژگی‌های شخصی مانند نام (استاب^۳ به نقل از کولی^۴ و جیمز^۵)، خصوصیات تحصیلی (۶-۹)، نقش جنسی و جنسیت (۱۰، ۱۱، ۱۲)، هویت اجتماعی (۱۳) و نژادی (۱۴) گفته می‌شود. این سازه همان‌طور که ماسن^۶ بیان داشته است بیشتر بر مبنای توصیف قرار دارد تا قضاوت، در حالی که در عزت نفس مسئله‌ی ارزیابی مطرح می‌شود (۱۵).

مطالعه‌ی عزت نفس از آن جهت اهمیت دارد که اغلب روان‌شناسان آن را یک صفت دانسته و از این رو به پایداری آن در جریان رشد انسان معتقدند (۱۶، ۱۷). فرنک^۷ و دیگران (۱۸) و رابینز^۸ و دیگران (۱۹) عزت نفس کم را با افسردگی، بیجسترا^۹ و دیگران (۲۰) و نیس^{۱۰} و همکاران، با مشکلات سازگاری و اضطراب در دوره‌ی بزرگسالی (۲۱) مرتبط دانسته‌اند. رد پای عزت نفس پایین در خشونت‌های خانوادگی نیز دیده می‌شود (۲۲).

از مهم‌ترین جنبه‌های شخصیتی هر فرد که خودپنداره و عزت نفس وی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، نام او است. بسیاری از روان‌شناسان از جمله کولی^{۱۱}، مید^{۱۱} و جیمز رشد «خود» را متأثر از تعاملات اجتماعی کودک و به ویژه روابط او با افراد معتبر دانسته‌اند (۴). مطالعات اخیر این دیدگاه را تایید نموده و نشان

داده است که خودپنداره‌ی کودکان شدیداً تحت تاثیر دیدگاه‌های والدین، معلمان و همسالان آنان قرار دارد (۲۳). فستینجر^{۱۲} با مطرح کردن نظریه‌ی مقایسه‌ی اجتماعی بیان می‌دارد که همه‌ی انسان‌ها دارای سابق ارزیابی خود هستند و همواره می‌خواهند در مورد خود اطلاعاتی کسب کنند اما به دلیل در اختیار نداشتن معیارهای عینی، به ناچار متوسل به مقایسه‌ی ویژگی‌های خود با دیگران می‌شوند (به نقل از ۲۴). به طور کلی می‌توان نظریه‌های مربوط به عزت نفس را در قالب نظریه‌ی کنش اجتماعی^{۱۳} قرار داد که در روان‌شناسی اجتماعی، متأثر از دیدگاه‌های مید و کولی است. این نظریه‌ها به چگونگی شکل‌گیری خودپنداره در فرد و نقش دیگران در آن اهمیت اساسی می‌دهند (۲۵) و عزت نفس را نگرش یا عاطفه‌ای می‌دانند که فرد نسبت به ویژگی‌های خود کسب می‌کند (۲۶). کوپراسمیت^{۱۴} عزت نفس را فرایند یکپارچه-سازی فرد با بدنه‌ی اصلی جامعه دانسته و اظهار می‌دارد که افراد عقاید و نگرش‌های اشخاص کلیدی را همانند تصویری در آینه، درونی‌ساخته و جزو خود می‌کنند (۲۷).

با توجه به آن چه بیان شد نام هر فرد، از یک سو به دلیل همراهی با وی از نخستین روزهای تولد تا سراسر عمر و از سوی دیگر به علت واکنشی که دیگران نسبت به آن نشان می‌دهند، تاثیری شگرف بر شخصیت فردی و اجتماعی وی دارد. پژوهش کلاسیک جاهدودا^{۱۵} در آفریقا تاثیر شگرف نام‌های نوجوانان را بر شکل‌گیری منش آنان نشان داده است. این محقق فهرستی از نام‌های نوجوانان دستگیر شده توسط پلیس را فراهم کرد و به بررسی روز تولد آنان پرداخت. در قبیله‌ی مورد مطالعه‌ی وی یعنی آشانتی^{۱۶}، رسم بر این بود که روز تولد فرد را به نام وی اضافه کنند. از دیدگاه مردم این قبیله، انتظار می‌رفت که نوجوانان متولد روزهای چهارشنبه افرادی متمرّد و پرخاشگر و متولدین روزهای دوشنبه اشخاصی آرام و سر به راه باشند. به نظر جاهدودا این امر به چیزی جز نام پسران مربوط نمی‌شد که آن نیز از نظر روان‌شناختی به پدیده‌های

¹Self-esteem

²Rosenberg

³Staub

⁴Cooley

⁵James

⁶Mussen

⁷Franck

⁸Robins

⁹Bijstra

¹⁰Neiss

¹¹Mead

¹²Festinger

¹³Social Interaction

¹⁴Coopersmith

¹⁵Jahoda

¹⁶Ashanti

تصورات قالبی^۱ و پیش‌گویی خودکام‌بخش^۲ یعنی واکنش افراد دیگر نسبت به نام پسران و رفتار پسران مطابق با انتظارات آنان مربوط می‌شود (۲۸). کالیست ولی^۳ نیز ضمن بیان رابطه‌ی نام با صفات شخصیتی، توزیع فراوانی نام‌های نوجوانان بزهکار را متفاوت با افراد عادی دانسته‌اند (۲۹).

در دو مطالعه‌ی دیگر، مشخص گردید که معلمان به مقاله‌های مشابه دانش‌آموزان دارای نام‌های رایج، جذاب و مطلوب نمرات بیش‌تری نسبت به دارندگان نام‌های کمیاب و غیر معمول می‌دهند. به نظر می‌رسد که آنان در طی سال‌های تدریس به صورت ناخودآگاهانه نگرش مثبتی را نسبت به این گونه کودکان کسب نموده و آن را در ارزیابی ایشان به کار می‌گیرند (۳۰، ۳۱). گاروود^۴ نیز متوجه پیشرفت تحصیلی دو برابری پسران دارای نام‌های مطلوب از دیدگاه معلمان نسبت به دارندگان نام‌های نامطلوب شد و نتیجه گرفت که خیلی مواقع، معلمان به آن چه موفقیت یا شکست در مدرسه نامیده می‌شود شکل می‌دهند، در حالی که تصور می‌کنند فاقد سوگیری نسبت به دانش‌آموزان هستند (۳۲).

در یک مطالعه‌ی دیگر، مهربیان و پیرسی^۵ ویژگی‌های عاطفی و شخصیتی متأثر از طول نام کوچک افراد را بررسی و گزارش کردند که افراد دارای نام‌های کوتاه به جهت کاربرد آسان‌تر و رسمی بودن کم‌تر نام، افرادی صمیمی‌تر یعنی مردم‌پسند، خوش‌رو، بشاش و گرم هستند و در مقابل، افرادی که نام‌های طویل دارند از جایگاه اجتماعی بالاتری برخوردارند. به باور آنان هرگاه نام کسی بر دیگری گذاشته شود، ویژگی‌های او را تداعی می‌کند و در نتیجه‌ی تصور قالبی، آن ویژگی‌ها به هر کسی که آن نام را داشته باشد، منتقل می‌گردد. آنان هم‌چنین نتیجه گرفتند که افراد از دارندگان نام‌های غیرمعمول، تصویری منفی دارند (۳۳).

کاتن^۶ و همکاران، تاثیر نام‌های غیرمعمول را بر واکنش عاطفی دیگران و گماشتن آنان به کار مورد بررسی قرار داده و

متوجه شدند که نام‌های رایج محبوب‌ترند و دارندگان آن‌ها شانس بیش‌تری برای استخدام دارند (۳۴).

حال با توجه به تاثیر زیاد نام فرد بر روی خودپنداره و عزت نفس وی و قرار داشتن تمامی افراد در معرض واکنش‌های دیگران نسبت به نام خود از یک سو، و انجام پژوهش‌های متعدد در مورد رابطه‌ی عزت نفس با سلامت جسمانی (۳۸)، اختلالات روانی (۳۵، ۳۷-۳۹)، پیشرفت تحصیلی (۴۰-۴۳)، احساس توان‌مندی و نوع‌دوستی (۴۱) از سوی دیگر، هم‌چنین پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی رابطه‌ی نام با مشاغل انتخابی افراد (۴۲)، تصمیم‌های مهم زندگی آنان (۴۴) و رابطه‌ی دوست داشتن نام (نه نوع آن) با عزت نفس و ویژگی‌های شخصیتی صورت گرفته، باید اذعان کرد که علی‌رغم اهمیت موضوع و در راستای گفته‌ی کول و پلهام^۷ مبنی بر این که دشوار بتوان به نشانه‌ای فکر کرد که بیش از نام فرد به هویت او نزدیک باشد (۴۸) تا کنون پژوهشی در زمینه‌ی رابطه‌ی نوع نام با عزت نفس به عمل نیامده است. علاوه بر این، با وجود محدودیت‌هایی که سازمان ثبت احوال برای گزینش نام اعمال کرده، هنوز هستند کسانی که بر کودک خود نام مجاز می‌گذارند ولی وی را چنان که دوست دارند صدا می‌زنند. بنا بر این باید دید که با وجود آمیختگی فرهنگ‌ها، گرایش‌های مذهبی و وجود علائق ملی، دارندگان کدام گروه از اسامی از عزت نفس بیشتری برخوردارند؟ پژوهش حاضر به دنبال درک پاسخ این سؤال بوده است.

روش کار

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی بوده و جامعه‌ی آماری آن را تمام دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان مشتمل بر ۱۳۳۴۰ نفر در اولین نیم‌سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ تشکیل داده‌اند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران^۸، ۳۷۳ نفر محاسبه شد که به جهت رعایت احتیاط به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای نسی بر حسب جنسیت، دوره (کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد) و رشته‌ی تحصیلی (علوم انسانی، علوم پایه،

^۱Koole & Pelham

^۸Cochran

^۱Stereotypes

^۲Self-Fulfilling Prophecy

^۳Kalist & Lee

^۴Garwood

^۵Piercy

^۶Cotton

نتایج

در این پژوهش، رابطه‌ی نوع نام کوچک افراد با میزان عزت نفس آنان و رابطه‌ی بین نوع نام، جنسیت و عزت نفس عمومی افراد، مورد آزمون قرار گرفت. اطلاعات هویتی و مربوط به عزت نفس دانشجویان نشان داد که از مجموع کل پاسخگویان، تعداد ۱۶۲ نفر (۴۱/۵٪) زن و تعداد ۲۲۸ نفر (۵۸/۵٪) مرد بودند. رشته‌ی تحصیلی تعداد ۱۲۸ نفر (۳۲/۸٪)، علوم انسانی، ۵۸ نفر (۱۴/۹٪)، علوم پایه، ۱۲۳ نفر (۳۱/۵٪)، فنی و مهندسی و ۸۱ نفر (۲۰/۸٪) نیز هنر و معماری بود. دوره‌ی تحصیلی ۸۱ نفر (۲۰/۸٪) کاردانی، ۲۵۵ نفر (۶۵/۴٪) کارشناسی و ۵۴ نفر (۱۳/۸٪) کارشناسی ارشد بود.

بیشترین نام‌های دانشجویان یعنی تعداد ۲۰۶ نفر (۵۲/۸٪) از نوع اسلامی، ۱۷۷ نفر (۴۵/۴٪) ایرانی و ۷ نفر (۱/۸٪) فرنگی بود و میانگین نمره‌ی عزت نفس عمومی دانشجویان $31/91 \pm 6/85$ بود.

جهت سنجش رابطه‌ی نوع نام کوچک پاسخگویان با عزت نفس عمومی ایشان از آزمون تحلیل واریانس یک‌سویه استفاده شد که نتایج مندرج در جدول ۱ تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد.

جدول ۱- نتایج رابطه‌ی نوع نام و عزت نفس عمومی دانشجویان با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک‌سویه

منابع تغییرات	df	مجموع مربع	میانگین مربع	مربع F	آزمون لون
انحرافات	انحرافات	انحرافات	انحرافات	P	آماره P
بین گروهی	۲	۴۰۶/۳۶۹	۲۰۳/۱۸۵		
درون گروهی	۳۵۵	۱۶۳۵۵/۵۸۹	۴۶/۰۷۲	۴/۴۱	۰/۱۳
کل	۳۵۷	۱۶۷۶۱/۹۵۸			۰/۴۴

با توجه به نتیجه‌ی به دست آمده و معنی‌دار بودن تفاوت‌ها، برای نمایش دقیق نقاط تفاوت موجود در طبقات، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد و مشخص گردید که میانگین نمره‌ی عزت نفس عمومی افراد با نام‌های اسلامی در بالاترین سطح، افراد دارای نام‌های ایرانی در درجه‌ی دوم و افراد دارای نام‌های فرنگی در پایین‌ترین سطح قرار دارد.

برای سنجش تفاوت بین عزت نفس عمومی دانشجویان زن و مرد نیز آزمون تی گروه‌های مستقل مورد استفاده قرار گرفت (جدول ۲) و مشخص شد بین میزان عزت نفس عمومی پاسخگویان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد.

فنی و مهندسی و هنر و معماری) انجام پذیرفت. به منظور رعایت اخلاق پژوهش در ابتدای هر جلسه، دانشجویان نسبت به امر تحقیق توجیه شده و سپس با اطمینان از حضور داوطلبانه، پرسش‌نامه‌ها توزیع گردید. جهت تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری تحلیل واریانس یک‌سویه، دوطرفه‌ی بین آزمودنی، آزمون تی برای گروه‌های مستقل، آزمون لون برای همگنی واریانس‌ها و هم‌چنین تعقیبی توکی استفاده شد.

ابزار پژوهش، پرسش‌نامه‌ی عزت نفس کوپراسمیت بوده که یک آزمون خودگزارشی ممداد و کاغذی است. این ابزار که در ابتدا توسط راجرز و دایموند^۱ تهیه و تدوین شده و سپس توسط کوپراسمیت مورد تجدید نظر قرار گرفته دارای ۵۸ ماده است که ۸ ماده‌ی آن دروغ‌سنج می‌باشد. اخذ نمره‌ی بالاتر از ۴ در دروغ‌سنج، نشان‌دهنده‌ی پایین بودن اعتبار آزمون و این نکته است که آزمودنی خواسته خود را بهتر از آن چیزی که هست جلوه دهد. ۵۰ ماده‌ی دیگر این مقیاس به ۴ خرده مقیاس عزت نفس خود، عزت نفس اجتماعی، عزت نفس خانوادگی و عزت نفس تحصیلی تقسیم می‌شود و یک نمره‌ی کل نیز برای عزت نفس عمومی گزارش می‌گردد. شیوه‌ی نمره‌گذاری این آزمون به صورت صفر و یک است (۴۹) و بنا بر این حداقل نمره در آن صفر و حداکثر ۵۰ می‌باشد. روایی آن در پژوهش‌های متعددی به تایید رسیده و ضریب پایایی آن را نیز بیابانگرد به میزان ۰/۹۱ گزارش کرده است که ضریب بسیار بالایی است (۵۰). ابراهیمی قوام (به نقل از ۴۹) نیز ضریب همسانی درونی آن را بر روی دانش آموزان شهرستان اهواز، ۰/۸۲ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب اعتبار عزت نفس عمومی از طریق روش بازآزمایی به فاصله‌ی ۲۰ روز بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان ۰/۸۳ به دست آمد. از مجموع تعداد ۳۹۰ پرسش‌نامه‌ی کامل به دلیل عدم صداقت ۳۲ نفر از پاسخگویان، تعداد ۳۵۸ پرسش‌نامه مورد تحلیل قرار گرفت. لازم به یادآوری است که جهت جلوگیری از ایجاد سوگیری نسبت به نام‌ها پرسش‌نامه‌ها ابتدا کدگذاری شدند و پس از محاسبه‌ی نمره‌ی عزت نفس در گروه‌های مختلف نام، طبقه‌بندی گردیدند.

¹Rogers and Dymond

جدول ۲- نتایج رابطه‌ی جنسیت با عزت نفس عمومی

دانشجویان با استفاده از آزمون تی گروه‌های مستقل

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	df	سطح اطمینان	مقدار t	آزمون لون
زن	۱۵۵	۳۲/۵۱	۶/۸۸۱	۳۵۶	۰/۱۴۷	۱/۴۵۴	۰/۱۰۴
مرد	۲۰۳	۳۱/۴۵	۶/۸۱۲				۰/۷۴۷

آن گاه اثر تقابلی جنسیت و نوع نام بر عزت نفس عمومی با آزمون تحلیل واریانس دوسویه آزموده شد (جدول ۳) که مشخص ساخت تفاوتی در بین دو جنس از نظر عزت نفس عمومی وجود ندارد، ولی انواع مختلف نام، عامل اثرگذاری بر روی عزت نفس عمومی است و با تغییر نوع نام، میزان عزت نفس عمومی افراد افزایش یا کاهش پیدا می‌کند.

جدول ۳- نتایج تحلیل واریانس دوسویه برای اثر تقابلی جنسیت

و نوع نام بر عزت نفس عمومی دانشجویان

منبع پراش	مجموع مجدورات	df	میانگین مجدورات	مقدار F	مقدار P
مدل اصلاحی (ستون‌ها)	۷۳۲/۱۴۱	۵	۱۴۶/۴۲۸	۳/۲۱۵	۰/۰۰۷
برش (سطرها)	۲۳۶۳۴۳/۲۶۴	۱	۲۳۳۴۳/۲۶۴	۵۱۲/۵۹۷	۰/۰۰۱
جنسیت	۱۵/۷۷۸	۱	۱۵/۷۷۸	۰/۳۴۶	۰/۵۵۶
نوع نام	۳۵۸/۵۴۴	۲	۱۷۹/۲۷۲	۳/۹۳۷	۰/۰۰۲
جنسیت × نوع نام	۸۵/۵۸۷	۲	۴۲/۷۹۴	۰/۹۴	۰/۳۹۲
پس ماند (خطا)	۱۶۰۲۹/۸۱۷	۳۵۲	۴۵/۵۳۹		
کل	۳۸۱۲۴۵	۳۵۸			
کاربندی	۱۶۷۶۱/۹۵۸	۳۵۷			

بحث

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نوع نام، عامل اثرگذار بر عزت نفس عمومی دانشجویان است و دارندگان نام‌های اسلامی دارای بیش‌ترین میزان عزت نفس هستند و پس از آنان به ترتیب دارندگان نام‌های ایرانی و فرنگی قرار می‌گیرند. در تایید این امر می‌توان به نظریه‌ی کنش اجتماعی اشاره کرد که دیدگاه‌های دیگران را عامل اساسی در چگونگی شکل‌گیری تصور از خود فرد و ارزیابی از خود وی می‌داند. از این دیدگاه، خود، همواره یک محصول اجتماعی است و هویت فرد به کنش‌های متقابل پایدار بین او و دیگران بستگی دارد (۲۵). کوپراسمیت نیز درونی کردن ارزش‌های دیگران را از یک سو، سبب ایجاد احساس احترام نسبت به فرد و از سوی دیگر احساس خودارزشمندی وی می‌داند. بنابراین، می‌توان

گفت که ارزش‌های اجتماعی نقش فعالی در پی‌ریزی عزت نفس فرد دارند. با این تبیین مشخص می‌شود که چرا دارندگان نام‌های اسلامی که ارزش غالب جامعه است از بیش‌ترین میزان عزت نفس برخوردارند (۲۷). دیدگاه لئون فستینجر نیز که بیان می‌دارد افراد در ارزیابی ویژگی‌ها، عقاید، آرمان‌ها و مهارت‌های خود به مقایسه‌ی اجتماعی می‌پردازند نیز تلویحاتی برای این امر دارد (به نقل از ۲۴). از این دیدگاه افراد دارای اسامی متفاوت با نام‌های رایج در جامعه از خود می‌پرسند که آیا نام مناسبی برای آنان انتخاب شده؟ و آیا این نام مورد پسند سایر افراد جامعه هست؟ پژوهش کلاسیک جاهودا در آفریقا (۲۸) و کالیست و لی نشان داده است که نام‌ها با منش نوجوانان سازگارند و در نوجوانان بزه‌کار با افراد عادی تفاوت دارند (۲۹). از سوی دیگر، مشخص شده است که معلمان نسبت به دارندگان نام‌های رایج، جذاب و مطلوب دانش‌آموزان، واکنش بهتری دارند و کارهای آنان را بهتر ارزیابی می‌کنند (۳۰، ۳۱) امری که سبب افزایش عزت نفس ایشان می‌شود. گارود نیز پیشرفت تحصیلی پسران دارای نام‌های مطلوب را دو برابر دیگران دانسته (۳۲) و مهراییان و پیرسی، ضمن باور به وجود رابطه بین طول نام کوچک افراد با ویژگی‌های عاطفی و شخصیتی آنان، وجود تصور منفی نسبت به دارندگان نام‌های غیر معمول را گزارش کرده‌اند (۳۳). کاتن و همکاران نیز متوجه واکنش عاطفی مثبت دیگران نسبت به نام‌های رایج، شده و دریافته‌اند که دارندگان آن‌ها شانس بیش‌تری برای استخدام دارند (۳۴). تاجفل و ترنر^۱ علاوه بر هویت شخصی به هویت اجتماعی اشاره نموده و اظهار داشته‌اند که افراد درباره‌ی خود گاه به عنوان فرد و گاه عضوی از گروه اجتماعی که به آن تعلق دارند می‌اندیشند (به نقل از ۵۱). هللند^۲ و همکاران نیز ضمن قبول رابطه‌ی نزدیک بین نام اشخاص با رشد شخصیت و احساس هویت ایشان، نام‌ها را نشانه‌ی میزان تعلق اجتماعی افراد دانسته‌اند (۵۲). بر این اساس می‌توان گفت که دارندگان نام‌های اسلامی خود را متعلق به گروه اکثریت و دارای قدرت در جامعه می‌دانند و به وجود خود افتخار می‌کنند.

¹Tajfel & Turner

²Helleland

مورد رابطه‌ی عزت نفس با جنسیت، متناقض است. به عنوان مثال در حالی که شکرکن و همکاران، میانگین نمره‌ی عزت نفس دانشجویان پسر را به صورت معنی‌داری بیش‌تر از دختران دانسته‌اند (۵۵)، نتایج پژوهش تمنایی‌فر و همکاران، عزت نفس دانشجویان دختر دانشگاه کاشان را بیشتر نشان داده است (۵۶). البته ممکن است نوع جامعه‌ی آماری و پژوهش بر نتایج آن تاثیر داشته باشد زیرا تحقیق شکرکن و دیگران بر روی دانشجویان کارآفرین صورت گرفته که ممکن است تحت تاثیر جنبه‌ی فرهنگی و تعداد بیشتر پسران در بین کارآفرینان باشد و این که احساس توان‌مندی و عزت نفس در این گروه بیشتر از دختران است.

از سوی دیگر، نتیجه‌ی تحقیق تمنایی‌فر و دیگران نیز می‌تواند متأثر از پیشرفت‌ها و موفقیت‌های اخیر دختران در پذیرفته شدن در دانشگاه باشد. با وجود این پژوهش حاضر، تفاوتی از نظر میزان عزت نفس دختران و پسران دانشجوی به دست نیآورده است که هم‌سو با یافته‌های حسینی در دانشجویان دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی تهران (۵۷) و زارع، در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز است (۵۸). پورشافعی نیز تفاوت معنی‌داری در میزان عزت نفس دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی نیافته است (۴۱).

از محدودیت‌های این طرح می‌توان به انجام آن تنها بر روی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی همدان اشاره کرد که پیشنهاد انجام پژوهش‌های مشابه در سایر مقاطع تحصیلی، سطح شهر و به طور کلی جمعیت عمومی می‌شود. علاوه بر این، به دلیل نبودن پژوهش‌های انجام شده در مورد موضوع، امکان مقایسه‌ی نتایج وجود نداشته است.

وجود نام‌نامه‌ها و قرار دادن آن‌ها در اتوبوس‌ها، کتابخانه‌ها یا معرفی مکررشان در رسانه‌های عمومی سبب می‌شود تا از کاربرد برخی اسامی که سابقه‌ی تاریخی مناسبی ندارند جلوگیری شده و مانع دوباره‌کاری برای سازمان ثبت احوال و صرف وقت و هزینه برای افراد شود. ضمن این که تغییر نام تاثیر چشمگیری بر روابط اجتماعی افراد و هویت ایشان دارد و عدم تغییر نام نامناسب نیز سبب کاهش عزت نفس و احساس حقارت در افراد می‌شود.

هرچند نام‌ها چنان که پوریانی بیان داشته مبین منش و مشی پدر و مادر و خواست‌ها و گرایش‌های آنان هستند ولی گاه نیز می‌توانند نشان‌دهنده‌ی حال و هوای جامعه و تمایلات و گرایش‌های پیدا و پنهان آن باشند (۵۳).

با وجود این، به نظر می‌رسد که والدین دارندگان نام‌های اسلامی، افرادی با اعتقاد راسخ، خوداتکا و برخوردار از عزت نفس بیشترند که تحت تاثیر امواج زودگذر نام، قرار نمی‌گیرند. این نوع والدین، خود را الگوی فرزندان‌شان قرار داده و عزت نفس بیشتر را به آنان منتقل می‌کنند. از سوی دیگر، بدیهی است که اسامی غربی یا فرنگی برای ایرانیان نامانوس بوده و دیگران در برخوردهای اولیه تصور کنند که این افراد می‌خواهند خود را تافته‌ی جدا بافته مطرح کنند و بنابراین، نگرش مثبتی نسبت به آنان نشان نمی‌دهند که خود سبب کاهش عزت نفس ایشان می‌شود.

سبک فرزندپروری والدین نیز در این زمینه، بی‌تاثیر نیست. والدینی که نام‌های تک و استثنایی (فرنگی) را انتخاب می‌کنند، ممکن است تمایل داشته باشند که فرزندان‌شان در تمام زمینه‌ها تک باشد. این گونه والدین، افرادی مستبد و سخت‌گیر هستند و با این سبک فرزندپروری، عزت نفس کودک خود را کاهش می‌دهند. ناگوارتر این است که نظیر آن چه استرامفر^۱ اظهار داشته است انتخاب نام نامانوس می‌تواند دلیلی برای وجود رابطه‌ی طردکننده‌ی والدین نسبت به کودک و وسیله‌ای باشد برای این که او مورد تمسخر و استهزای دیگران قرار گیرد (۵۴). برای بررسی اثر تقابلی بین جنسیت و نوع نام، ابتدا اثر اصلی جنسیت مورد آزمون قرار گرفت که مشخص شد بین میزان عزت نفس عمومی دانشجویان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. سپس اثر بین جنسیت و نوع نام بر عزت نفس مورد آزمون قرار گرفت که نتیجه نشان داد نوع نام، عامل اثرگذار بر عزت نفس عمومی دانشجویان صرف نظر از جنسیت ایشان است.

در تبیین این امر باید گفت که اهمیت موضوع عزت نفس در فرد به عنوان بخشی از شخصیت وی بیشتر از آن است که تحت تاثیر جنسیت وی قرار گیرد. البته، یافته‌های پژوهشی در

¹Strumpfer

نتیجه‌گیری

دیگر داشتن معنا و مفهوم، زیبایی و خوش‌آهنگی و وجود سابقه‌ی تاریخی و یا مذهبی برای آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. نام‌های مذهبی از این جهت که گذر زمان نمی‌تواند آن‌ها را منسوخ کند، همواره قابلیت کاربرد دارند و در جامعه‌ی اسلامی به ویژه از ارزش و اهمیتی والا برخوردارند و بنا بر این داشتن این گونه نام‌ها برای دارندگان آن‌ها افتخارآمیز است و سبب افزایش عزت نفس ایشان می‌شود.

توجه والدین به انتخاب نام مناسب به جهت تاثیری که بر افزایش عزت نفس فرزندان دارد، ضروری است. زیرا هر چند نام‌های به روز و یا منحصر به فرد در ابتدا جالب به نظر می‌رسند اما ممکن است در آینده سبب کاهش عزت نفس و احساس حقارت و سرشکستگی ایشان گردد. بنا بر این، مطابقت اسامی با فرهنگ جامعه، درستی، مقبولیت و به عبارت

References

1. Blascovich J, Tomaka J. Measures of self-esteem. In: Robinson JP, Shaver PR, Wrightsman LS. (editors). Measures of personality and social psychological attitudes. San Diego, CA: Academic Press; 1991: 123.
2. Rosenberg M. Society and the adolescent self-image. Princeton, NJ: Princeton University; 1965: 15.
3. Cast AD, Burke PJ. A theory of self-esteem. Soc Forces 2002; 80: 1041-68.
4. Staub E. Personality, basic aspects and current research. New York: Prentice-Hall; 1980: 84-117.
5. Jones JT, Pelham BW, Carvallo M, Mirenberg MC. How do I love thee? Let me count the Js: Implicit egotism and interpersonal attraction. J Pers Soc Psychol 2004; 87: 665-83.
6. Bong M, Clark RE. Comparison between self-concept and self-efficacy in academic motivation research. Educ Psychol 1999; 82: 139-53.
7. Byrne BM, Worth Gavin DA. The Shavelson model revisited: Testing for the structure of academic self-concept across pre, early, and late adolescents. J Educ Psychol 1996; 88: 215-28.
8. Shavelson RJ, Bolus R. Self-concept: The interplay of theory and methods. J Educ Psychol 1982; 74: 3-17.
9. Shavelson RJ, Hubner JJ, Stanton GC. Self-concept: Validation of construct interpretations. Rev Educ Res 1976; 46: 407-41.
10. Hoffman RM, Hattie JA, Borders LD. Personal definitions of masculinity and femininity as an aspect of gender self-concept. J Humanist Educ Dev 2005; 44(1): 66.
11. Hoffman RM. Conceptualizing heterosexual identity development: Issues and challenges. J Couns Dev 2004; 82(3): 375.
12. Wade JC. Male reference group identity dependence: A theory of male identity. Couns Psychol 1998; 26(3): 349.
13. Tajfel H. Social identity and intergroup relations. Cambridge: Cambridge University; 1982: 12.
14. Aries E, Olver RR, Blount K, Christalvi K, Fredman SL. Race and gender as components of the working self-concept. J Soc Psychol 1998; 138: 277-84.
15. Shafiabadi A. [Occupational and vocational guide and theories of job selection]. 20th ed. Tehran: Roshd; 2011: 413. (Persian)
16. Harter S. Identity and self development. In: Feldman S. Elliott G. (editors.). At the threshold: The developing adolescent. Cambridge, MA: Harvard University; 1990: 352-87.
17. Savin-Williams R, Demo D. Situational and transsituational determinants of adolescent self-feelings. J Pers Soc Psychol 1983; 44: 824-33.
18. Franck E, de Raedt R, de Houwer J. Implicit but not explicit self-esteem predicts future depressive symptomatology. Behav Res Ther 2007; 45(10): 2448-55.
19. Robins RW, Trzesniewski KH, Tracy JL, Gosling SD, Potter J. Global self-esteem across the life span. Psychol Aging 2002; 17: 423-34.
20. Bijstra JO, Bosma HA, Jackson S. The relationship between social skills and psycho-social functioning in early adolescence. Pers Individ Dif 1994; 16(5): 767-76.

21. Neiss MB, Sedikides C, Stevenson J. Self-esteem: A behavioral genetic perspective. *Eur J Pers* 2002; 16: 351-67.
22. Baumeister RF, Campbell JD, Kreuger JI, Vohs KD. Does high self-esteem cause better performance, interpersonal success, happiness or healthier lifestyles? *Psychol Sci Public Interest* 2003; 4(1): 1-44.
23. Coplan RJ, Findly LC, Nelson LJ. Characteristics of preschoolers with lower perceived competence. *J Abnorm Child Psych*; 2004; 32 (4): 399-408.
24. Martin R, Suls J, Wheeler L. Psychology of social comparison. *International encyclopedia of the social and behavioral sciences* 2001: 14254-7.
25. Ahmadi H. [Sociology of obliquity]. 1st ed. Tehran: Samt; 2005: 100. (Persian)
26. Gebauer JE, Riketta M, Broemer PH, Maio GR. How much do you like your name? An implicit measure of global self-esteem. *J Exp Soc Psychol* 2008; 44: 1346-54.
27. Coopersmith S. The antecedents of self-esteem. San Francisco: Freeman; 1967: 5.
28. Jahoda GA. Note on Ashanti names and their relationship to personality. *Br J Psychol* 1954; 45: 192-5.
29. Kalist D, Lee D. First names and crime: Does unpopularity spell trouble? *Soc Sci Q* 2009; 90: 145-54.
30. Harari H, McDavid JW. Name stereotypes and teachers' expectations. *J Educ Psychol* 1973; 65: 222-5.
31. Erwin P, Caley A. The influence of Christian name stereotypes on the marking of children's essays. *Br J Educ Psychol* 1984; 54: 223-7.
32. Garwood SG. First-name stereotypes as a factor in self-concept and school achievement. *J Educ Psychol* 1976; 68: 482-7.
33. Mehrabian A, Piercy M. Affective and personality characteristics inferred from length of first names. *Psychol Bull* 1993; 19(6): 755-8.
34. Frieson TC. The relationship between hope and self-esteem in renal transplant recipients. *Transplant Proc* 1997; 29: 3739-40.
35. Beer J. Depression and self-esteem of teachers. *Psychol Rep* 1987; 60(3): 1097-8.
36. Cotton JL, O'Neill BS, Griffin A. The "name game": Affective and hiring reactions to first names. *Journal of managerial psychology* 2008; 23(1): 18-39.
37. Philpot VD, Holliman WB, Madonna S. Self-statements, locus of control, and depression in predicting self-esteem. *Psychol Rep* 1995; 76(1): 1007-10.
38. Mathews DB Barbara, L. Anxiety: A component of self-esteem. *Sch Couns* 1989; 24(2): 153-9.
39. Krizan Z, Suls J. Implicit self-esteem in the context of trait models of personality. *Pers Individ Dif* 2009; 46: 659-63.
40. Muijs RD. Predictors of academic achievement and academic self-concept; a longitudinal perspective. *Br J Educ Psychol* 1997; 67(3): 263-77.
41. Pourshafeie A. [A survey of relationship between self-esteem and academic achievement]. MA. Dissertation. Tehran: Tarbiat Modarres University, College of psychology and education science, 2000: 3. (Persian)
42. Rafati F. [A survey of relationship between mental health and academic achievement in Shiraz nursing and midwifery college students]. MA. Dissertation. Shiraz: University of Medical Sciences, College of nursing and midwifery, 2000: 3-4. (Persian)
43. Kobal D, Musek J. Self-concept and academic achievement: Slolovenia and France. *Pers Individ Dif* 2001; 30(5): 887-99.
44. Pelham BW, Sander L, Koole CD, Hardinc J, Hettisd J, Seaha E, et al. Gender moderates the relation between implicit and explicit self-esteem. *J Exp Soc Psychol* 2005; 41(1): 184-9.
45. Blanton H, Jaccard J. Arbitrary metrics in psychology. *Am Psychologist* 2006; 61(1): 27-41.
46. Kappe R. Implicit self-esteem, the name-letter effect and candidate preferences. *Proceeding of the Annual Meeting of the ISPP 32th Annual Scientific Meeting, Trinity College, Dublin, Ireland, Jul 14 2010-09-29*. Available from: URL; http://www.allacademic.com/meta/p314756_index.html
47. Marlzar MR, Joubert, CE. Liking of personal names, self-esteem, and the big five inventory. *Psychol Rep* 2002; 91(2): 407-10.

48. Koole SL, Pelham, BW. On the nature of implicit self-esteem: The case of the name letter effect. In: Spencer S, Fein S, Zanna MP. (editors). *Motivated social perception: The Ontario symposium*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum; 2003: 93-116.
49. Neissi A, Shahni Yeilagh M. [The effect of self-expression training on self-expression, self-esteem, social anxiety and mental health of Ahwaz high school students with social anxiety]. *Journal of education science and psychology of Shahid Chamran University* 2001; 3: 11-30. (Persian)
50. Biabangard A. [Methods of self-esteem enhancement in children and adolescents]. 7th ed. Tehran: Society of Parents and Educators; 2003: 26. (Persian)
51. Baron R, Byrne D, Branscombe N. [Social psychology]. 11th ed. Tehran: Ravan; 2008: 252. (Persian)
52. Helleland B, Ore CE, Wikstrom S. Names and identities. *Oslo studies in language* 2012; 4(2): 273-84.
53. Pouryani M. [The effect of historical events in Iranian appellation]. Tehran: Ziba; 2004: Preface. (Persian)
54. Strumpfer DJ. The relationship between attitudes toward one's name and self-esteem. *Psychol Rep* 1978; 43: 699-702.
55. Shokrkon H, Boroumandnasab M, Najarian B, Shahni Yeilagh M. [A survey of simple and multiple relationship between creativity, achievement motivation and self-esteem with job-making in students of Shahid Chamran University in Ahwaz]. *Journal of education science and psychology of Shahid Chamran University* 2002; 3: 1-24. (Persian)
56. Tamanaiefar MR, Sedighi Arfaie F, Salami Mohammadabadi F. [The relationship between emotional intelligence, self-concept and self-esteem with academic achievement]. *Quarterly journal of research and planning in higher education* 2009; 56: 99-113. (Persian)
57. Hosseini MA, Dejkam M, Mirlashari J. [The relationship between self-esteem and academic achievement of university students in Iran]. *Iranian journal of medical education* 2007; 7(1): 137-42. (Persian)
58. Zare N, Daneshpazhouh F, Razeghi M, Fallahzadeh MH. [The relationship between academic achievement with mental health and self-esteem in university students of Shiraz University of Medical Sciences]. *Iranian journal of education in medical sciences* 2007; 7(11): 59-67. (Persian)